

دکتر عباس بخشنده نصرت

دانشگاه تربیت معلم تهران

شماره مقاله: ۳۱۱

ساماندهی تیپهای معیشت عشایر کوچنده

Dr. Abbas Bakhshandeh Nosrat

Tehran Teacher Training University

Bonification of Nomads' Livelihood Types

The number of wandering population with nomad's living standards is decreasing day by day, as today, it constitutes about 1.60 of the total population of our country. Though they provide more than 27% of the increased profits of red- meat protein products of the country, they are used to living rough and they hardly enjoy any civic services or public facilities. Due to recent upheavals and the destruction of the tribe system, they doom to perish. Thus the second plan for socio-economic development of the country considers to take necessary measures to establish some settlements for about 20 thousands families (about 11%) the real intention for providing such settlements is primarily to creat better possibilities for their life, social and economic improvements and the welfare of them. To perform such an accomplishment, a budget of 5507 Rials is allocated. Accordingly, it is necessary to discriminate different types of the nomads and then managing their way of life. More over, some attempts should be made to organize some centers for the development of these settlements. Having settled the 20 thousands families depicted from the poorest members of the nomads, the officials should attend the rest of them as presented in this article.

کلیات

عشایر کوچنده ایران که در فاصله سالهای ۱۲۸۵ - ۱۳۱۷ حدود ۳/۷۷٪ تا ۲۳٪ کل جمعیت مملکت را شامل می شد در سرشماری سال ۱۳۶۶ فقط ۲٪ از کل جمعیت ایران را تشکیل می داد. و

امروزه حدود ۱/۶٪ از جمعیت کل کشور را در بردارد. این عده بیش از ۲۷٪ از ارزش افزوده تولیدات مواد پروتئینی گوشت قرمز کشور را تأمین می‌کنند^۱.

ولی شیوه معیشت این جماعت در اثر تحولات روز افزون ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، فروپاشی نظام ایلی، ملی شدن مراتع و توسعه شهرنشینی در حال فروپاشی است.

با این که قلمرو زیستی آنان حدود ۹۶۳ هزار کیلومتر مربع را شامل است (۵۹٪ کل مساحت کشور) ولی به علت فقر پوشش گیاهی، جولانگاه تراکم اکولوژیکی دامها در این عرصه به علت بهره‌برداری رقابتی از مراتع در حدود ۱۸٪ واحد دامی در هکتار است. امروزه در حدود ۱/۶٪ از مراتع کل کشور از وضعیت خوب برخوردار است و بقیه یعنی ۵/۶٪ آن در وضعیت متوسط و ضعیف قرار دارد^۲.

با مطالعاتی که نگارنده در منطقه ماکو، چهارمحال و بختیاری و دشت مغان انجام داده است تعداد «روز تعلیف» دام عشایر در مناطق یاد شده از حدود ۲۰۰ روز در سال ۶۶ به کمتر از ۱۶۶ روز در سال ۱۳۷۲ تقلیل یافته است (معادل ۱۷٪) که اگر این وضعیت ادامه یابد (تخریب مراتع سالی ۲/۸٪) پس از ۳۸ سال، دیگر مرتعی برای عشایر باقی نخواهد ماند.

در نتیجه تعداد دام عشایر که از نظر مالی در ضعف بسر می‌برند، سریعاً در حال کاهش است و با کم شدن تعداد دام، عشایر قادر به ادامه زندگی مبتنی بر کوچ نخواهند بود. بویژه آن که بخش عمده این جمعیت مصرف‌کننده است. ۹۹٪ از جمعیت فعال عشایری شاغل به حساب می‌آیند^۳. ۵۶/۷٪ از جمعیت ۶ ساله و بالاتر را جمعیت فعال در بردارد اما حدود ۳۲٪ از فعالین عشایری را کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۵ ساله تشکیل می‌دهند^۴. این رقم ۵ برابر مشابه آن در جامعه روستایی (۶/۲٪) و بیش از ۱۲ برابر مشابه آن در جامعه شهری است (۲/۵٪).

از نظر برخورداری از خدمات عمومی کافی است اشاره شود که در بین ۴۳٪ از خانوارهای عشایری حتی یک فرد با سواد نیز دیده نمی‌شود و ۷۳٪ از جمعیت ۶ ساله و بالاتر بی‌سوادند. و فقط ۱۷٪ از جمعیت لازم‌التعلیم تحت پوشش آموزش و پرورش می‌باشند که این نسبت برای زنان جامعه کمتر از ۱۰٪ است و در زمینه‌های دیگر خدماتی نیز در هیچ موردی بیش از ۳۰٪ جامعه را پوشش نمی‌دهد^۵.

بعلاوه امروزه بزرگترین مسأله عشایر تأمین خوراک دام است که حدود ۹۸٪ هزینه‌ها را شامل می‌شود. مهمتر این که فقط ۴۵٪ از نیاز غذایی دام از مراتع تأمین می‌شود و بیش از ۸۵٪ از مبلغ پرداختی عشایر صرف خرید علوفه دستی می‌شود. از نظر بهره‌وری از زمین کشاورزی باید متذکر

شد که عشایر کوچنده در فقر به سر می‌برند، چون تراکم حیاتی یا بار بیولوژیکی در جامعه عشایری ۲/۷ نفر در هکتار است و این تراکم در غرب البرز و آذربایجان حدود ۲ نفر ولی در جنوب شرق ایران بالاتر از ۱۸ نفر است.

با توجه به این که کمتر از ۱/۵٪ از زمینهای کشاورزی عشایر از نوع آبی است و ۴/۵٪ بقیه دیمی است، صنایع دستی نیز نقش مهمی در تولید سرانه این دسته از جمعیت ندارد (حدود ۲٪). عوامل و مسائل فوق سبب شده تا محرومیت عشایر روز به روز بیشتر شده و در نتیجه زندگی کوچندگی به نیمه کوچندگی، نیمه کوچندگی به دهواره نشینی، مالواره نشینی و ... تبدیل شود که در نهایت به سوی یک جانشینی سوق می‌یابد.

توجه حکام نیز از گذشته تا به امروز در جهت بهبود زندگی این جماعت در حدی نبوده است که بتواند مسائل این قشر از مردم مملکت ما را حل کنند، چنان که جمع اعتبار تخصیصی به عشایر در فاصله سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۵۲، ۳/۴۲ میلیارد ریال بوده که پس از انقلاب اسلامی به بیش از ۵۱/۵ میلیارد ریال رسیده است، ولی این رقم نیز با توجه به تورم جاری نقش چندانی ایفا نمی‌کند. هر چند عشایر بیش از ۱۷ میلیون دام نگهداری می‌کنند ولی فقط کمتر از ۱۴٪ از آنها تا حدی قادر به تأمین معاش خود هستند (دارندگان بیش از ۲۰۰ رأس دام)^۷. این دسته هم در عدم برخورداری از امکانات رفاهی و زیر بنایی فرقی با بقیه عشایر ندارند.

با تدابیری که در سالهای اخیر برای تأمین امکانات اولیه معیشت عشایر آغاز شده است و مسائل و مشکلاتی که در جهت حفظ منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب مراتع وجود دارد و محدودیتهای بهره‌وری از مراتع و فقدان فرصتهای اشتغال در جامعه عشایری، روند مهاجرت این دسته از مردم سرزمین ما به سوی روستاها و شهرها در حال افزایش است. در واقع عشایر نه تنها در آینده قادر نخواهند بود که به تولیدات دامی ادامه دهند بلکه خود نیز سربار جامعه شهری خواهند شد. چون در روستا نیز زمینهای برای جذب و اشتغال آنان وجود ندارد از این رو در سازمان عشایری کشور طرح توسعه مناطق عشایری راهبردی جدید برای حل مسائل اساسی عشایر کوچنده مطرح شده است که بیشتر به جنبه کمی آن توجه دارد در حالی که جنبه کیفی و کمی هر دو از ابعاد توسعه‌اند. در طرح یاد شده مقرر شده بود که در طی برنامه ۵ ساله دوم ۲۲٪، در برنامه ۵ ساله سوم ۲۵٪، در برنامه ۵ ساله چهارم ۲۸٪ و بالاخره در برنامه ۵ ساله پنجم ۲۵٪ بقیه خانوارهای عشایر سازماندهی شوند. ولی این برنامه به ۲۰۰۰۰ خانوار (۱۱٪) در برنامه ۵ ساله دوم تقلیل یافت که منجر به کندی اجرای برنامه سازماندهی ملی در برنامه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی برای این

جمعیت خواهد شد.^۸

هدفهای ساماندهی:

هدفهای ساماندهی را می‌توان بطور خلاصه به شرح زیر ارائه کرد:

- ۱- تأمین زندگی و ایجاد امکانات اقتصادی و اجتماعی و رفاهی برای عشایر کوچنده، در موازنه با زندگی شهری و روستایی.
- ۲- بهره‌برداری، حفظ و اصلاح محیط زیست عشایر کوچنده، به منظور مراقبت از منابع طبیعی عشایری و برخورداری نسل حاضر و نسلهای آتی از آن.
- ۳- تولید مواد پروتئینی گوشت قرمز در داخل کشور، به منظور قطع وابستگی اقتصادی به خارج از کشور، با توجه به مهارتها و قابلیت‌های عشایر کوچنده.
- ۴- ایجاد اشتغال در مناطق عشایری.

استراتژی ساماندهی:

استراتژی ساماندهی برای دستیابی به اهداف فوق باید مبتنی بر رعایت عدالت اجتماعی باشد و برخورداری از امکانات رفاهی و منطقه‌ای متعادل، برای آحاد ملت فراهم شود. بنابر آخرین مصوبه دولت در پاییز سال ۱۳۷۳ اعتبار عمرانی این برنامه که در فصل عملیات چند منظوره توسعه نواحی منظور شده است، معادل ۵۵۰/۷ میلیارد ریال است که برای سال جاری کمی بیش از ۹۰ میلیارد ریال آن اختصاص داده شده است که «ضمن تأمین اعتبارهای عمرانی دولتی و تسهیلات بانکی مورد نیاز جهت احداث مسکن و اجرای طرحهای کشاورزی و دامپروری آنها حداقل ۷۰٪ از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را در لوایح بودجه سالانه منظور و تعهد و پرداخت نماید».^۹

لازم می‌داند متذکر شود که این اعتبار را در تهیه امکانات زیستی و ایجاد اشتغال عشایر باید به کار گرفت. چون در صورتی که غیر از این باشد و یا در جهت تأمین امور زیربنایی استفاده شود در ایجاد اشتغال و امکانات خدماتی با مشکلات نبود یا کمبود بودجه مواجه خواهیم شد و در آن صورت ره به جایی نخواهیم برد. مخصوصاً در این برهه از تاریخ مملکت که در آغاز برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی هستیم، توجه به این شیوه از معیشت در حال تلاشی، یک وظیفه ملی، مملکتی و دینی است. از این رو می‌توان با توجه به تطوّر معیشت مبتنی بر کوچ در سالهای اخیر و مبانی تغییرات آن به نحوی ساماندهی کرد که هر یک از تپه‌های معیشت و مبانی آن با بهره‌وری از یک تحول به نتایج بهینه منتهی گردد و مقصد نهایی از این ساماندهی، برخورداری عشایر کوچنده از حداقل امکانات زندگی در مقایسه با معیشت شهری و روستایی است.

ساماندهی معیشت نیمه کوچندگان:

نیمه کوچنده به عشایری گفته می‌شود که بخشی از سال در گرمسیر یا سردسیر در خانه زندگی می‌کنند و به هنگام استفاده از مراتع در سیاه چادر، آلاچیق، کپر، کومه و... به سر می‌برند. بخش دیگر سال را نیمه کوچندگان ممکن است هم در گرمسیر و هم در سردسیر دارای مرتع و حق چرا باشند. دسته‌ای از آنان ممکن است فقط در گرمسیر دارای مرتع و حق چرا باشند، گروه دیگر بر عکس ممکن است فقط در سردسیر دارای مرتع باشند. این عده قبلاً در تمام فصول سال در زیر سیاه چادر، آلاچیق، کپر، کومه و... زندگی می‌کردند. طبق سرشماری سال ۱۳۶۶ تعداد نیمه کوچندگان در حدود ۵۳٪ از کل عشایر ایران محاسبه شده است. این عده عموماً خانه‌های خود را در گرمسیر و یا سردسیر با توجه به شرایط اقلیمی، دسترسی به مراتع، وجود آب، نزدیکی به راههای ارتباطی، وجود زمینهای زراعی، امکان دسترسی به سرویسها و خدمات عمومی مثل مدرسه، بهداشت و درمان و یا همبستگیهای قومی و طایفه‌ای بنا کرده‌اند. میزان و تعداد اطاقهای مورد استفاده آنها و نوع مصالحی که در بنای ساختمانها به کار می‌رود با توجه به بودجه خانوار، تعداد دام و مصالح غالب موجود در منطقه متفاوت است و اگر در این مورد به ایلات بزرگ هفده گانه کشور توجه کنیم می‌بینیم که حدود ۲٪ از کوچندگان در مراتع بیلاقی و ۵۵٪ آنان در مناطق قشلاقی دارای خانه‌اند و به شیوه معیشت مبتنی بر نیمه کوچندگی روی آورده‌اند. آنها بیش از ۷ ماه سال را در قشلاق و بقیه مدت را (۵ ماه) عموماً در بیلاق به سر می‌برند. از بین ایلات مهم، ایل بختیاری در حدود ۲۸٪ از خانه‌های بیلاقی نیمه کوچندگان را به خود اختصاص داده است و پس از آن ایلات کرد و قشقای قرار دارند که هر کدام ۱۱٪ از مساکن بیلاقی را دارا می‌باشند. در مقابل ایل جلالی در بیلاق فاقد مسکن هستند. ایلات بویر احمد سفلی، بهمئی، جبال بازری، دالکی، شاهسون، طیبی، قره داغ و میوند هر کدام کمتر از ۵٪ از خانه‌های منطقه بیلاقی را دارا می‌باشند.

در منطقه قشلاقی نیز عشایر بختیاری، بالاترین درصد خانه‌های قشلاقی را به خود اختصاص داده‌اند (۳۰٪) و ایلاتی که هر یک فقط بیش از ۵٪ از خانه‌های قشلاقی عشایر نیمه کوچنده را به خود اختصاص داده‌اند عبارتند از: بویر احمد سفلی، شاهسون، قره داغ و میوند. این جماعت به تجربه دریافته‌اند که در شرایط فعلی زیستی برای برخوررداری از ثبات اقتصادی و اجتماعی و امکانات خدماتی و امور زیربنایی، چاره‌ای جز سکونت در خانه‌های دایمی ندارند و این آخرین مرحله ارتباط با معیشت دامداری مبتنی بر کوچ است که بتدریج از آن دور می‌شوند. زمینه اصلی فعالیتهای اقتصادی این جماعت را دامداری و زراعت تشکیل می‌دهد و بخش عمده زراعت آنها در

مناطق قشلاقی، دیمکاری غلات، همراه با زراعت علوفه دامی است که میزان آن برای هر خانوار در مناطق مختلف ایلی متفاوت است.

این جماعت که ساماندهی زندگی خود را در تغییر گله داری سنتی از نظام دامداری و شبانکاره به دامداری مبتنی بر بهره‌برداری زراعی کسب کرده است، بهترین الگوی ساماندهی را در تطور طبیعی نظام معیشتی شبانی به دست آورده است و می‌رود که یکجانشینی دائم را انتخاب کند. این تجربه نتیجه سالها تلاش و قرن‌ها نابسامانی زندگی پدران کوچنده آنان در بین راه گرمسیر و سردسیر است و واکنشی است جبرانی در مقابل ناپایداری و بی تعادلی شرایط زیستی.

این واحدهای معیشتی تک‌رین یافته که در حال توسعه و گسترش می‌باشند در مناطق گرمسیری عموماً فاقد آب آشامیدنی بهداشتی بوده و در آن جا از پزشک و درمان نیز خبری نیست. اکثر این مجموعه‌های زیستی حتی فاقد مسجد و حمام می‌باشند و مدرسه و امکانات بهداشتی و پزشکی را نمی‌شناسند.

با این وصف پناهگاهی است برای نجات از سرگردانی در دشت و بیابان بدون آب و علف. خانه‌ها در این واحدهای معیشتی تابع هیچ قاعده و مکان‌گزینی خاصی نبوده و از نور کافی برخوردار نیستند. عموماً تنگ و تاریک و بدون در و پنجره مناسبند. جای انسان و دام به هم پیوسته و در یک فضای مرتبط قرار دارد. از آبریزگاه برخوردار نیستند و آب آشامیدنی عموماً در این واحدها وجود ندارد و برای تأمین آن باید هزینه‌های گزافی بپردازند.

این وضعیت واحدهایی است که در چند کیلومتری آنها رود ارس و یا قره‌سو و یا دیگر منابع آب قرار دارد. برای ساماندهی زندگی این جماعت می‌توان به اقدامات زیر مبادرت ورزید:

- ۱- تأمین آب بهداشتی، ایجاد حمام و مسجد و پس از آن تأمین پزشک، دامپزشک، مدرسه و...
- ۲- اغلب این دسته از عشایر از کمبود علوفه دامی در مراتع بیلاقی و قشلاقی در مضیقه هستند و معتقدند که به علت کمی علوفه، وزن دامهای آنها در سالهای اخیر بین ۵ تا ۱۰ کیلوگرم کم شده است و به علت عدم توان مالی، مجبور به فروش زود رس بره‌ها و بزغاله‌های خود می‌شوند و در اواسط تابستان حتی تعدادی از میشها و ماده بزهای خود را هم می‌فروشند تا بتوانند معاش خود و بقیه دامها را تأمین کنند.

از این رو می‌توان به منظور تسریع در ساماندهی معیشت آنان در نواحی مساعد به تلفیق متعادل کشاورزی و دامداری پرداخت و سعی کرد تا توسعه کمی و کیفی تولیدات آنها با توجه به ظرفیت مراتع و استعدادهای منطقه شکل گیرد تا بتوانند از یک وضعیت اقتصادی ثابتی برخوردار

شوند.

۳- با توجه به مهارتها و تجربیات عشایر می‌توان با فراهم کردن شرایط لازم به تولید محصولات دامی به صورت متمرکز نیز اقدام کرد.

۴- شیوه نیمه کوچندگی در سالهای اخیر سریعاً در حال توسعه و گسترش است و قبل از این که همه گیر شود، باید از طریق طرحهای هادی، کاربری زمین و طرحهای کالبدی، قرارگاههای عشایری، به امکانات خدماتی جدید تجهیز و برای ایجاد اشتغال آماده شوند، تا بتدریج زمینه رشد را در جامعه خود فراهم آورند.

۵- به منظور تقویت بنیه مالی این دسته از عشایر، می‌توان ضمن حمایتهای اقتصادی و اجتماعی، تولیدات گاوشتی و سایر فرآورده‌های آنان را از طریق سازمانهای تأمین مواد تولیدی و مورد نیاز کشور جذب کرد و با ایجاد صندوقهای تعاونی مشترک دامداران نیمه کوچنده امروز و دامپروران اسکان یافته فردا و بخش دولتی یا خصوصی، به هنگام خشکسالی و اتفاقات زیان بار احتمالی آنان را حمایت کرد.

۶- طبق نظر خواهی که از این دسته از عشایر مورد مطالعه به عمل آمده است اغلب آنها اظهار می‌دارند، در صورتی که از تولیدات آنها به وسیله دولت حمایت شود، آنان قادرند به اندازه دو برابر دام فعلی را از طریق پرواربندی تولید کنند. در حالی که به علت عدم حمایت دولت، ناچار به فروش قبل از موقع دامهای خود می‌شوند. این ساماندهی در مناطق گرمسیری می‌تواند از اولویت برخوردار شود چون عموماً محل استقرار نیمه کوچندگان نزدیک به هم است و همچنین تعداد آنها بسیار زیاد است. نظیر دشت لالی، دشت مغان، دشت بورالان، دشت اندیکا، آران وارسباران و... که در این صورت می‌توان طرحهای توزیع فضایی استقرارگاههای نیمه کوچندگان را به منظور اسکان آنان ساماندهی کرد.

۷- با توجه به تمرکز جمعیت و نرخ رشد آن در سالهای آتی، برای هر مجموعه از کانونهای جمعیتی می‌توان یک یا چند کانون را به عنوان قطب رشد جمعیت در نظر گرفت و در دراز مدت به برنامه‌ریزی توسعه طرح کالبدی و برنامه‌ریزی فیزیکی آنها پرداخت تا به اسکان مناسب و از پیش طراحی شده و سازمان یافته دست یافت.

۸- قطبهای بزرگتر را می‌توان با عنوان «شهرکهای عشایری» یا ایلی مشخص کرد و واحدهای کوچکتر را می‌توان با نام «ایلده» یا «دهات عشایری» یا نام دیگری مشخص کرد.

۹- در دهات عشایری می‌توان با برخورداری از تکنولوژی مناسب، بتدریج در جهت تحول

بهره‌برداریهایی سستی اقدام کرد و ضمن دستیابی به منابع جدید، به افزایش تولید دست یافت. این تفکر خود احتیاج به مطالعات دیگری که باعث ایجاد اشتغال شود، دارد.

ساماندهی معیشت کوچندگان (محض):

تنها گروه از عشایر کوچنده که در شرایط فعلی قادر به ادامه معیشت خود به شیوه سستی می‌باشند، خانوارهایی هستند که بیش از ۱۵۰ رأس دام کوچک دارند (کمی بیش از ۱/۵ از عشایر ایران). این عده ضمن برخورداری از مراتع خوب گرمسیری و سردسیری می‌توانند به این شیوه از معیشت ادامه دهند. امروزه با توجه به مسائل، عدم رعایت بهره‌برداری از مراتع در افراد غیر طایفه و حتی طایفه و فامیل درجه اول، اطمینان به دوام زندگی آینده آنان را متزلزل ساخته است. بویژه این که بخش مهم دامهای آنها را عشایر فقیر (چوپانان) اداره می‌کنند. کلیه مخارج زندگی چوپانان در بعضی از ایلات با صاحب رمه است. این مخارج با توجه به گرانی روز افزون، بار هزینه‌ای این دسته از عشایر را روز به روز سنگینتر می‌کند. بخصوص که جاذبه‌های اشتغال در نواحی شهری، تهدیدها در نواحی مختلف، از شمار طالبان شغل چوپانی کاسته است. تا آنجا که در موارد بسیار هزینه نگهداری دامهای اختصاصی چوپانان نیز با صاحبان رمه است که دامهایشان را به چوپان سپرده‌اند. زندگی این دسته از کوچندگان با توجه به رقابت بهره‌وری از مراتع، تخریب روز افزون آن، تجاوز روستاییان به مراتع و عدم برخورداری از کمکهای مالی دولت، گرانی مزد چوپانان، عدم اطمینان به شرایط طبیعی در حال تزلزل است و امیدی به دوام آینده آن نیست. برخورداری این دسته، از امکانات رفاهی، خدماتی، مثل آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، آب آشامیدنی بهداشتی و غیره نسبت به انواع دیگر معیشت مبتنی بر کوچ در سطح نازلتری است و با خروج روز افزون چوپانان و طبقه فقیر از بین کوچندگان دامدار، اعتمادی به دوام و قوام معیشت آنان نیست. از این رو باید با همه پرسی از دارندگان دام کافی، شرایطی برای آنان ایجاد کرد که ضمن برقراری اطمینان اشتغال، بتوانند در بهره‌وری از منابع و عوامل تولید، در مناطق عشایری، از تحول تکنیکهای جدید نیز برخوردار شوند تا به علت گسترش تدریجی محدودیتهای کوچ، ناگزیر به اسکان بی‌رویه نباشند. در نظر خواهی که از بعضی از خانوارهای این طبقه به عمل آمده است اغلب آنان، نیمه کوچندگی را به منظور برخورداری از مراتع طبیعی به زندگی روستایی و یا شهرنشینی ترجیح می‌دهند و حتی در مواردی ترک معیشت مبتنی بر کوچ اسکان را با نیستی و نابودی برابر می‌دانند. شاید این تفکر به خاطر آن است که فعلاً این دسته از عشایر هم از توان مالی بالایی برخوردارند و هم از رشد بی‌رویه دام و محدودیت و تخریب مراتع بی‌خبرند. در نتیجه هنوز علاقه خود را به این شیوه

از معیشت، ابراز می‌دارند.

در این رابطه و از نظر توزیع مکانی، می‌توان دو دسته از عشایر را برشمرد:

الف - عشایر کوچنده‌ای که در مناطق نوار مرزی کشور به سر می‌برند.

ب - عشایری که در مناطق داخلی کشور پراکنده‌اند.

برای این دو دسته به لحاظ اهمیت آنان می‌توان در دو سطح جداگانه ساماندهی کرد:

الف - کوچندگان نوار مرزی:

مهمترین عشایر نوار مرزی ایران را در نواحی شمال غرب ایلات شاهسون، قره‌داغ (ارسباران)، جلالی و در غرب ایلات میلان، زیلان، شکاک، دالکی (ذلقی)، ممیوند (میوند)، کرد و ... در جنوب شرق ایلات بلوچ و در مشرق ایلات بلوچستان و خراسان و بالاخره در شمال شرق ایلات خراسان تشکیل می‌دهند.

مهمترین مراتع این دسته از عشایر در نواحی مرزی گسترده شده که می‌توان با توجه به توزیع جغرافیایی مراتع گرمسیری یا سردسیری در هر یک از مناطق مرزی به ساماندهی استقرار آنها اقدام کرد. چنان که در منطقه شمال غرب، از پارس آباد تا بازرگان، عشایر کوچنده مرزنشین در منطقه قشلاقی خود به مدت ۷ الی ۸ ماه به سر می‌برند.

در منطقه غرب، از بازرگان تا شمال خوزستان به مدت ۳ الی ۵ ماه، عشایر مرزنشین، بیلاق خود را در منطقه کوهستانی و در دره‌ها و دشتهای باز غرب و نیز در جنوب شرق و شمال شرق بین ۷ الی ۸ ماه عشایر قشلاق خود را در نواحی مرزی می‌گذرانند.

۱- در مناطق یاد شده اعم از سردسیری (بیلاق) و گرمسیری (قشلاق) می‌توان در دشتهای وسیع و حاصلخیز با توجه به میزان جمعیت و ظرفیتهای مناطق چرا در رابطه با تولیدات کشاورزی عشایر را طوری مستقر کرد که بتوانند از حداکثر امکانات محیطی، با توجه به برخورداری از تکنولوژی جدید در دامداری و دامپروری، استفاده کنند.

۲- در قسمتهای مجاور نواحی مسکونی کشورهای همسایه در غرب با ایجاد تأسیسات و شهرکهای گمرکی، واردات و صادرات کالاهای برون مرزی و درون مرزی مربوط به زندگی عشایر را ساماندهی و کنترل کرده و بخشی از درآمدهای مربوطه را به توسعه خدمات و امور زیربنایی ساماندهی در این مناطق اختصاص داد.

۳- ضمن حمایت از تولیدات عشایر، به جذب آن در داخل اقدام کرد.

۴- در قسمتهای پایکوهی، دالانها و محورهای ارتباطی و دهلیزهای نظامی بنا به اهمیت

سیاسی و با توجه به گرایشهای ملی عشایر، می توان اقدام به تأسیس خدماتی کرد و بموقع سرویسهای لازم را از طریق ایجاد جاده‌های نظامی ارائه کرد.

۵- ضمن اقدام به بهره‌وری متعادل از مراتع طبیعی و ایجاد اشتغال برای عشایر، این جماعت وطن پرست می‌توانند هسته‌های مقاومتی را تشکیل دهند که از دید آفند و پدافند و حفظ و استقرار، مرزهای سیاسی، واحد پشتیبانی پدافند را به وجود آورند.

ب- کوچندگان مناطق داخلی کشور:

این دسته از کوچندگان از نظر مسائل مربوط به بهره‌برداری رقابتی از مراتع، جاذبه اشتغال برای چوپانان، عدم امکان دستیابی به درآمدهای برون مرزی و درون مرزی و وجود راههای ارتباطی و برخورداری از خدمات عمومی و رفاهی وضعی بمراتب بدتر از وضع عشایر مرزنشین دارند و در مقایسه با آن به دلیل بالا بودن مرگ و میر دامی و پایینتر بودن زایش و نداشتن درآمد از منابع دیگر و نداشتن پشتوانه مالی، آسیب پذیرترند. نظیر عشایر چهارمحال و بختیاری، قشقای، عشایر کرد جلالی، عشایر دشت مغان، عشایر کهکیلویه و بویراحمد، طیبی و ... به همین علت برای ساماندهی زندگی آنان موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- برای برخورداری این دسته از عشایر از امکانات خدماتی زیر بنایی، مثل خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی، ارتباطات و تأمین انرژی، می‌توان در مناطق گرمسیری و سردسیری و یا میان بند آنان، قرارگاههای خدمات رسانی به وجود آورد. تا خانوارهای عشایری بتوانند ضمن برخورداری از خدمات مورد نیاز، به عرضه تولیدات دامی خود اقدام کنند. در این صورت باید در مکان یابی قرارگاهها، با پیش بینی توسعه در آینده دقت لازم به عمل آید تا در صورت تکوین بتوان بر وسعت آنها افزوده و بتدریج با ارائه امکانات زیستی بتوان تعداد بیشتری از عشایر را در آن مکانها مستقر کرد.

این قرارگاهها را که ابتدا ممکن است در نواحی آباد و محدود، در مناطق عشایری جدا از هم و یا تعداد معدودی از عشایر، شکل یابد، می‌توان با نام «مالواره» یا «اوبه واره» و یا «کانون استقرار عشایری» مشخص کرد.

۲- به هنگام مکان‌گزینی کانونها یا مالوارهها باید نقش مرکزیت سرویس رسانی را به منظور توسعه جمعیت عشایری آنها در نظر داشت و مکان ایجاد اشتغال و تولید منطبق با شرایط اکولوژیکی مناطق را پیش بینی کرد.

۳- این مالوارهها را می‌توان بتدریج مجهزتر و وسیعتر کرد و با توجه به برخورداری این دسته

از کوچندگان از مراتع خوب، دامداری را با فعالیتهای زراعی توأم گردانید و تمام یا بخشی از علوفه مورد نیاز دامها را در محل تولید یا تأمین کرد.

۴- طراحی کالبدی «مالواره» باید به گونه‌ای باشد که مراکز تولیدی، تجاری، خدماتی و مسکونی با توجه به ابعاد تکنیکی هر یک، در نظر گرفته شود تا در دراز مدت ظرفیت جذب جمعیت بیشتر را داشته باشد و از حد «مالواره» به «ایل ده» یا «ده عشایری» و یا «کانون توسعه» تبدیل شود.

۵- در نواحی که دهات عشایری گسترش می‌یابند بعدها می‌توان از طریق ایجاد مدیریتهای طایفه‌ای و ایلی و یا انتصاب به یک طایفه و ایل از مراتع کوهستانی برای ربه گردانی استفاده کرد. قدرت مدیریت باید به وسیله سازمانهای ذی ربط تأیید شود و منع هرگونه بهره‌برداری خارج از اصول و قاعده را به وسیله این مدیریتهای اعمال کرد.

۶- با ایجاد قرارگاههای تولیدی با مشارکت بخش دولتی یا خصوصی می‌توان به تولید یا پرواربندی دام اقدام و به توسعه مشاغل وابسته به دامداری صنعتی یا تولیدات مربوطه، پرداخت. ۷- براساس سهولت در امر سرویس رسانی، می‌توان حتی الامکان قرارگاهها را طوری مکان‌یابی کرد که نزدیک به هم بوده، هزینه حمل و نقل و توزیع خدمات بین آنها سرشکن شود.

ساماندهی دهواره‌ها:

عده‌ای از عشایر کوچنده که تعداد دام آنها بسیار کم و ناچیز است و یا فاقد حق چرا و علف چر هستند و اغلب از عشایر فقیر و تنگدست به شمار می‌آیند، با بهره‌دهی استثماری به دامداران متمکن، معاش خود را تأمین می‌کنند، تعداد این گروه قابل ملاحظه است (بیش از ۲/۵٪ از کل عشایر کوچنده کشور). عشایر تنگدست، با فقر روز افزون جامعه عشایری کشور، روز به روز بیشتر از قوم و قبیله خود جدا شده، دست از کار چوپانی و وابستگی اقتصادی دامداری به خانوار متمکن کشیده و به خارج از ایل و طایفه روی می‌آورند. دلیل این گسستن را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود: تخریب مراتع، تقلیل درآمد دامداری، عدم حمایت‌های عشیره‌ای از منافع دامداران کوچنده، بالا رفتن هزینه‌ها و بالطبع مزد کارگر و چوپان (بطور متوسط بین ۱۲ تا ۱۵ هزار تومان در ماه است) که کلاً باعث افت زندگی دامداران صاحب ربه (متمکن) را فراهم آورده به نحوی که دیگر قادر به پرداخت مزد چوپان نیستند.

مسائل مربوط به ایل راه، درگیریهای طایفه‌ای و بین ایل راهی با روستائیان، ضرب و شتم‌های ناشی از رفتار نیروهای انتظامی در مسیر کوچ، ممانعت‌های عبور و مرور از مناطق قشلاقی به سمت

مناطق ییلاقی و... موجب شده تا دامداران ثروتمند، یا دامداری را ترک کنند و در نواحی شهری اقدام به سرمایه‌گذاری کنند و یا بر اثر عدم امکانات رفاهی و خدماتی و محدودیتها و مشکلات بیش از حد این شیوه از معیشت، ناگزیر در حد توان خود اقدام به نگهداری دام، نمایند. تقلیل دام، نیاز به چوپان را کاهش داده و جمعیت مازاد بر نیاز خدمات دامداری بتدریج به خارج از ایل و طایفه روی آورده در نقاط دور افتاده در گوشه‌ای از زمینهای قشلاقی یا ییلاقی آبا و اجدادی خود در دهواره‌هایی به آلونک نشینی و اسکان بی رویه پرداخته‌اند. این عده که فاقد هر گونه تخصص و کارایی صنعتی هستند، در شهرها جایی ندارند و چون از تجربه کشاورزی نیز بی‌بهره‌اند، در روستاها نیز مکانی نمی‌یابند و در نتیجه بدون برخورداری از آب، برق، بهداشت، حمام، درمان، مسجد به نگهداری چند رأس دام ناگزیر شده، در بدترین شرایط ممکن و در منتهای فقر و مسکنت بسر می‌برند.

نکته مهم این که بخش مهمی از ساکنان دهواره‌ها را جمعیت جوان تشکیل می‌دهند که نیروی کار با اهمیتی هستند و از هر جهت آمادهٔ سامان دهی بنیادی می‌باشند. برای این دسته (ساکنان دهواره‌ها) می‌توان ضمن برآورد مجموعه‌های دهواره‌های یک منطقه یا یک ناحیه سکونتی، در بین دهواره‌های نزدیک به هم و یا منفرد، مرکزی را با مکان یابی بهینه انتخاب و به عنوان مرکز قرارگاههای خدماتی در نظر گرفت و با توجه به پتانسیلهای موجود طبیعی و اقتصادی به ایجاد و گسترش فعالیتهای معیشتی، با بهره‌گیری از تکنولوژی مناسب، به دامداری صنعتی و دامپروری پرداخت و با ایجاد اشتغالات کارگرتز زمینه اشتغال را برای آنها فراهم کرده و همزمان خدماتی از قبیل آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، آب آشامیدنی و... را نیز تأمین کرد. حدود توسعه این قرارگاهها را می‌توان با توجه به میزان جذب و اشتغال زایی تا حد یک شهرک عشایری وسعت داد. رمه‌گردانی ساماندهی مطمئن در برخورداری از مراتع و خدمات عمومی:

رمه‌گردانی، نوعی دامداری است که بیشتر منظور از آن تولید گوسفندگوشتی است. این شیوه از بهره‌برداری از جنبه اشتغال بیشتر اهمیت دارد تا شیوهٔ معیشت، چون رمه‌گردانی شغلی است جدا از فعالیت افراد خانواده، در این اشتغال چوپانان با جدا شدن از خانوادهٔ خود، گله‌ها را به منظور تعلیف به چراگاههای ییلاقی یا قشلاقی می‌برند. در مناطقی که فاصله بین ییلاق و قشلاق زیاد است، گله‌ها را با کامیون و یا قطار جا به جا می‌کنند^{۱۰}.

در ایران از گذشته‌های دور این شیوهٔ دامداری در قسمتهای جنوب شرق، شمال شرق و حواشی کویرها وجود داشته و روز به روز نیز در حال رشد است. این شیوه که در سرزمینهای دیگر

نیز وجود دارد، کلید حل مشکل بین استفاده از مراتع و برخورداری از خدمات عمومی برای دامداران است.

به نحوی که با اسکان عشایر کوچنده، کلیه افراد خانوار می‌توانند در یک جا ساکن شده و از همه امکانات خدماتی مثل آموزش و پرورش، بهداشت و درمان پزشکی و ... بهره‌جویند.

دامها را چوپانان یا مردان خانوار به موقع به ییلاق و قشلاق می‌برند و چون هدف از این نوع دامداری تولید مواد لبنی نیست لذا همراهی و کمک زنان برای دوشیدن دامها به هنگام جا به جا شدن در سردسیر لزومی ندارد و هم برای تبدیل شیر به مواد لبنی به تأمین انرژی برای جوشاندن شیر و تهیه سایر فرآورده‌ها نیازی نیست. در نتیجه دیگر بخش مهمی از بوته‌های جنگلی که در طول سال برای تأمین سوخت عشایر از بین می‌روند، در صورت رمه‌گردانی مورد تخریب قرار نگرفته و تجدید حیات داشته، کمک بزرگی به احیا و بازسازی اکوسیستم گیاهی خواهد شد.^{۱۱}

به همین دلیل در مناطقی که عشایر کوچنده مایل به اسکان هستند، می‌توان ضمن مکان یابی، مناطقی را برای سازماندهی «مالواره»، «دهواره»، «ایل‌ده» (روستای عشایری) یا «کانون توسعه عشایری» برای خانوارهای این دسته از عشایر در نظر گرفت و قبل از این که دیر شود، ساماندهی لازم به عمل آید.

در این صورت می‌توان برای استفاده از نیروی کار زنان، به ایجاد کارگاههای صنایع دستی نظیر قالی بافی، گلیم بافی، سوزن دوزی و ... اقدام کرد. برای برخورداری این دسته از عشایر در مناطق ییلاقی و قشلاقی ایجاد آبشخور، علوفه رسانی، ایجاد ایستگاههای واکسیناسیون و احتیاطهای مربوط به حفظ و تهیه احتیاجات ضروری از اهمیت بسیاری برخوردار است.

ساماندهی معیشت عشایر نیمه اسکان یافته:

نیمه اسکان یافته به عشایری اطلاق می‌شود که سالهای قبل از انقلاب بنا به شرایط خاص زمان خود، اسکان یافته، گاه حق چرای دامهای خود را به غیر واگذار نموده و گاه با حق استفاده از مراتع آب و اجدادی طایفه‌ای به استفاده از مراتع خود می‌پرداخته و گاه حق چرای خود را به غیر واگذار می‌کرده است. ولی با شروع انقلاب اسلامی گروهی از این دسته به منظور برخورداری از مراتع ایلی و طایفه‌ای علی‌رغم واگذاری آن به غیر، مجدداً دامهای خود را جدا از ایل و طایفه به مراتع ییلاقی برده، به تعلیف می‌پردازند و پس از آن مجدداً به روستای خود برمی‌گردند. چون برای تعلیف دام تمام افراد خانوار به منظور تولید مواد لبنی ناگزیرند به ییلاق بروند در نتیجه برای مدتی که در ییلاق به سر می‌برند با کمبود علوفه دامی یا عدم برخورداری از خدمات و امکانات زیر بنایی

مواجه می‌شوند. این عده گاه به نگهداری دام برای روستائیان توانگر اقدام می‌کنند که در هر صورت با عدم وجود علوفه کافی در مراتع مواجه می‌شوند. برای این دسته از عشایر رمه گردانی را به منظور تولید دام گوشتی توصیه می‌نماید تا با توجه به میزان حق چرا از مراتع خود بهره‌برداری نمایند و بهره‌وری آنان در رابطه با وابستگی ایلی و طایفه‌ای زیر نظر یک شورای ایلی انجام شود.

در غیر این صورت می‌توان با شرایطی (بنا به عرف و سنت نظام ایلی) به منظور جلوگیری از فشار بیش از حد به مراتع، حق چرای این دسته از عشایر را با تراضی آنان به رمه گردانان منتصب به یک ایل و یا طایفه تفویض کرد و یا زمان استفاده از مراتع را با طایفه و ایلی که به آن منصوب است، تنظیم کنند. عده این عشایر نیمه اسکان یافته قابل ملاحظه است. از این رو باید ترتیبی اتخاذ کرد که موجبات مشکلات جدیدی فراهم نشود.

توجه به مراتع:

تخریب روز افزون مراتع در اثر:

- ۱- چرای بیش از حد، به منظور تأمین علوفه دامی توسط عشایر کوچنده، نیمه کوچنده، نیمه اسکان یافته و عشایر ساکن در دهواره‌ها.
- ۲- تأمین هیمة برای سوخت عشایر (برای جلوگیری از سرما و تهیه مواد لبنی) و روستائیان مجاور جنگلها و مراتع.

۳- کشت غلات دیمی به وسیله روستائیان و عشایر در مراتع مرغوب.

۴- صدور پروانه حق چرای بیش از ظرفیت از طرف سازمانهای مسؤول.

۵- رواج اجاره‌داری مراتع به وسیله افراد خارج از نظام ایلی و یا عشایر دامدار.

ضرورت توجه به آنها را تأیید می‌کند. برای این منظور می‌توان ضمن ساماندهی تدریجی عشایر در مناطق مختلف، اعم از اسکان دائم یا به منظور رمه گردانی، از فشار بر مراتع بدون مرز و مشاعی که مورد بهره‌برداری رقابتی دامداران قرار می‌گیرد، کاست. بدین ترتیب که در فصول معین، با برنامه‌ریزی قبلی تعداد معینی از دامهای عشایر کوچنده، با توجه به ظرفیت مراتع، زیر نظر شوراها می‌که به منظور کنترل و بهره‌وری صحیح از مرتع هر قرارگاه تشکیل شده‌اند، مجاز به استفاده از مراتع باشند.

این شوراها باید زمان چرای دام و تعداد دامی را که مجاز به تعلیف در هر یک از چراگاهها می‌باشند و مدار گردش دام را تضمین کنند.

برای بهره‌برداری دوره‌ای و حفظ و اصلاح بهینه این گونه مراتع می‌توان از طریق ایجاد

مدیریت‌های شبه طایفه‌ای اقدام کرد. بدین ترتیب که در هر یک از مدیریت‌ها عده‌ای از عشایر، که باید از یک طایفه معین و یا منسوب به یک طایفه باشند شرکت جویند. در این صورت با توجه به سابقه بهره‌برداری و عرف نظام ایلی، می‌توان اقدام کرد.

حفظ و اصلاح مراتع مشخص را نیز به شرط عمران و ساماندهی از طرف مالک و یا بهره‌بردار مشخص، می‌توان تضمین کرد. جلوگیری از ایجاد هر گونه تأسیسات و تبدیل مراتع به فعالیت‌های دیگر باید در برنامه ساماندهی امکان بهره‌وری از مراتع در صدر برنامه‌ها قرار گیرد.

حق چرا و استفاده از مراتع نباید قابل واگذاری باشد. چرا که به دلیل مشاع بودن مراتع و حضور دارنده حق یا دارنده پروانه چرا در بهره‌وری مداوم اثبات حق مالکیت، سبب می‌شود تا پس از خروج مالک یا صاحب پروانه اصلی از مرتع، شخص ثانی نیز این حق را به دیگران واگذار کند و رقابت در بهره‌وری از مرتع را تا حد تخریب بالا برده و منجر به نزاع‌های طایفه‌ای شود و رفتار بهره‌وران از مرتع را غیر مسؤولانه‌تر سازد.

در این مورد باید مطابق عرف و سنت نظام ایلی رایج در هر یک از ایلات عمل شود. اگر در این گونه موارد عرف و سنت نظام ایلی کارساز نباشد می‌توان از طریق اعمال قوانینی که منجر به کاهش فشار بر مراتع می‌شود زمینه عمران مراتع را در دراز مدت فراهم کرد.

نتیجه:

ادامه زندگی عشایر کوچنده به شیوه سنتی با توجه به تغییراتی که در کلیه شئون آن به وجود آمده ممکن نیست، برای این که عشایر کوچنده بتوانند به شرایطی دست یابند که وضعیت زندگی آنان مشخص شود، راه دشواری در پیش دارند. از این رو نباید در ساماندهی معیشت آنان درنگ کرد. بلکه باید ضمن توجه به شرایط حاکم زیست محیطی و توانهای طبیعی و پیوندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، جایگاه عشایر را تعیین و در روند برنامه‌های ساماندهی در کل نظام (برنامه‌ریزی مملکتی، اعم از توسعه شهری و طراحی کالبدی شهرها، برنامه‌ریزی توسعه روستایی و توسعه منطقه‌ای و محلی) تطور و تحول معیشت کوچندگان را در نظر گرفت و با توجه به سنت و عرف نظام ایلی به ساماندهی زندگی آنان پرداخت. آن هم به شیوه منطقه‌ای و محلی (نه بخشی)، سیر تطور زندگی عشایر کوچنده از کوچندگی به سمت نیمه کوچندگی، نیمه اسکان، اسکان در مالواره‌ها، اسکان در دهواره‌ها، اسکان در دهات عشایری و حواشی شهرهای بزرگ و کوچک است و در صورت عدم ساماندهی، بسرعت در حال آسیب‌پذیری و زیان‌رسانی به شهرها و روستاها است. در سطوح یاد شده می‌توان زندگی آنان را از امکانات بالقوه و بالفعل و حقوق حقه مالی و مملکتی

برخوردار کرد. با توجه به یکپارچگی تقریبی شرایط معیشتی، در هر یک از تپه‌های یاد شده، همگرایی را در ارتباط با خود اتکایی و دخالت خود عشایر را در فرآیندهای تصمیم‌گیری ضروری می‌داند. ولی در ارتباط با بهره‌وری از مراتع، آب، مدیریت دفاع، سرمایه‌گذاری، پشتیبانی و حمایت دولت را در سطح ملی و منطقه‌ای و محلی لازم می‌داند. به همین منظور دولت می‌تواند با اختصاص اعتبارات کم بهره، سوسید و تسهیلات زیر بنایی، ساماندهی را تکمیل کند، مثلاً در زمینه نهاده‌های فنی مدرن، توزیع کارخانه‌های تولید مواد پروتئینی دام، برخورداری از کود شیمیایی برای تولید مواد غذایی دامی، توزیع مواد تولیدی و استفاده از مواد و سموم دفع آفات کشاورزی و دامداری، به کارگیری لوازم و ابزار دامپروری و تأمین ماشین آلات ضروری و ... اقدام نماید.

به نظر نگارنده چون امور جماعت عشایری از دیرگاه با نظر سران ایل، خوانین، رؤسای تیره و طایفه اداره می‌شود و نظام زندگی سنتی آنها از بالا ولی در سطح قبیله‌ای و طایفه‌ای و محلی انجام می‌پذیرد لذا، اگر امروز هم به جای آن نظام یک ساختار اداری و ساماندهی، از بالا، آن را هدایت کند و به هنگام دشواریها و مشکلات به رفع آنها، بگونه‌ای که در جهت ساماندهی زندگی عشایر باشد، می‌توان بتدریج ضمن شناخت مسائل، عدم توازنها را در تحول و تکوین یکجانشینی با حمایت دولت از بین برد. بدین ترتیب که ضمن ایجاد کانونهای توسعه در هر یک از مناطق گرمسیری، میان بند یا سردسیری با توجه به ظرفیتهای طبیعی و اکولوژیکی، مراکزی را برای استقرار عشایر کوچنده پیش بینی و ساماندهی کرد. مراکزی که ضمن پیش بینی فرصتهای اشتغال بتدریج زمینه‌های توسعه را طوری برای هر یک از انواع معیشت کوچندگان فراهم نمایند که آنها بتوانند در آینده ضمن کسب معاش خود از کلیه امکانات خدماتی، رفاهی و زیربنایی جامعه ایرانی نیز برخوردار باشند.^{۱۲}

منابع و مآخذ

- ۱- قنبری، علی، عشایر و خودکفایی گوشت قرمز، فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب، شماره ۱۱، ص ۱۲، تابستان ۱۳۶۹.
- ۲- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۳.
- ۳- اداره کل طرح و برنامه واحد آمار و برنامه ریزی، مختصری از آمار و اطلاعات جامعه عشایری ایران، ص ۳.
- ۴- مرکز آمار ایران، گزیده نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۶۶، بهمن ۱۳۶۷، ص ۴۳.
- ۵- اهداف، سیاستها و خطی مشی های طرح توسعه جامع مناطق عشایری در برنامه دوم خرداد ۷۲، سازمان عشایری، ص ۳.
- ۶- بخشنده نصرت، عباس، اشتغال و مبانی اشتغال زایی در ساماندهی زندگی عشایر کوچنده، نهمین کنگره جغرافیدانان ایران، تبریز، مهر ۱۳۷۳، ص ۲.
- ۷- مرکز آمار ایران، سرشماری عشایری سال ۱۳۶۶.
- ۸- اهداف، سیاستها و خط مشی های طرح توسعه جامع مناطق عشایری در برنامه دوم، خرداد ۷۳، سازمان عشایری، ص ۶.
- ۹- قانون برنامه ۵ ساله دوم توسعه، تبصره ۷۷، ص ۷۴.
- 10- Max Derruau. Geographie Humanite Armand Colin, 1976, 431 p.p.16.
- ۱۱- پاپلی یزدی، محمد حسین، گذر از کوچ نشینی به رمه گردانی، فصلنامه عشایر ذخائر انقلاب، شماره ۲، بهار ۱۳۶۷، صص ۷۷-۸۹.
- ۱۲- بخشنده نصرت، عباس، سازماندهی چند سطحی راهی نو در ساماندهی زندگی عشایر کوچنده، کنفرانس بین المللی عشایر و توسعه، شهرکرد، شهریور ۱۳۷۱.